

می‌برند. از آب صاف کرده خیسانده آن برای تب و لرز استفاده می‌کنند. همراه با سربرنجاسک (sarberendzâsk) دم می‌کنند و برای تسکین دردهای قاعدگی به مصرف می‌رسانند. پادزهر خوبی برای زهر عقرب و مار به حساب می‌آید. برای این منظور برگ سبز آن را آب پز می‌کنند و بر محل گزیدگی قرار می‌دهند.

ابن سینا در مورد پونه نوشته است: «برای پیچش و درد روده و قی و اسهال شدید مفید است. حیض را راه اندازد. بیمار تب و لرز اگر آب پز پونه خورد بسیار مفید است.»<sup>۱</sup>

پرسیاوشو (par-e siyâvašu) = پرسیاوشان (*Adiantum capillus. veneris*) گیاه‌شناسی: گیاهی است از جنس سرخسها که در غارها و نقاط سایه‌دار و مرطوب کوههای دوان می‌روید. این گیاه دارای برگهای مرکب و متشکل از برگچه‌های متعدد است. و ظاهری شبیه به برگ گشنیز دارد.

دکتر زرگری در مورد آن نوشته است: «گیاهی است از تیرهٔ بسفایج (Polypodiaceae) و از تیرهٔ فرعی کرف (Karaf).»<sup>۲</sup>

مزاج: در طب سنتی دوان دارای مزاج خنک (xonek) است. ابن سینا معتقد است که شاید متمایل به گرمی و کمی خشکی باشد.<sup>۳</sup> و ابوریحان آن را گرم و خشک عنوان کرده است.<sup>۴</sup> خواص درمانی: پرسیاوشان مسکن اعصاب است. دم کردهٔ آن را برای رفع شک به مصرف می‌رسانند. در مخلوطهای مختلفی از جمله چارریشه (čar riša) (ر - ک داروهای گیاهی) برای رفع بادگلو و رهایی سینه از سرفه‌های خشک و کهنه شده، همچنین در مخلوط جوشنده (Jušenda) جهت رفع یبوست و ناراحتی‌های گوارشی به مصرف می‌رسد. این گیاه برای کسانی که بادماش (bâğ-e mâš) دارند مضر تشخیص داده شده است. و به هیچ عنوان نباید استفاده شود. ابن سینا در مورد آن نوشته است: «در تنقیهٔ شش و تسکین سرفه نافع است.»<sup>۵</sup>

در کتاب داروخانه‌ای در کوه و دشت آمده است: «بومه در «عوامل دارویی» که به سال ۱۷۹۵ نوشته شده است، شربت آن را ضدسرفه، ضد سینه درد و خلط آور می‌خواند. مکتب سالرن،

(۲) زرگری، ۱۳۴۲: ۸۰

(۴) ابوریحان، ۱۳۵۸: ۷۷۶

(۱) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۲۷۸

(۳) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۹۵

(۵) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۹۵

خواص ضد ناراحتی‌های ریوی آن را غیر قابل انکار معرفی کرده است.<sup>۱</sup>

### پشموک (Pašmuk)

گیاه‌شناسی: این گیاه جزو گیاهان بومی مناطق سردسیر بویراحمد است. گیاه آن به طور پراکنده در کوه‌های دوان نیز یافت می‌شود.  
مزاج: پشموک گرم است.

خواص درمانی: دم کرده پشموک را برای «باد سرد» مفید می‌دانند. درد معده را تسکین می‌دهد و با گل‌گاوزبان به صورت دم کرده، مسکن خوبی برای رعشه، شُک و ناراحتی‌های عصبی است.  
تخم شَرَبُوتی (toxme-e-šarvati) = تخم شربتی

گیاه‌شناسی: گیاهی است شبیه به ریحان کوهی که در باغهای مرکبات منطقه بیساپور کازرون به صورت خودرو می‌روید. دانه آن شبیه به ریحان و رنگ آن سیاه می‌باشد.  
مزاج: تخم شربتی خنک است.

خواص درمانی: دانه‌های آن به دلیل مزاج خنک برای رفع گرم‌زدگی به صورت شربت به مصرف می‌رسد. تخم شربتی مقوی قلب است و تن را قوت می‌بخشد. در مخلوط چارتخمک برای رفع سرماخوردگی استفاده می‌شود.

### تذری (tođri) = قدومه (Alyssum bracteatum)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله که در باغهای اطراف دوان به حالت خودرو می‌روید. برگهای آن ساده و خنجری شکل و گل‌های آن منظم و کامل است. میوه آن شبیه به دانه عدس و به صورت کپسول و محتوی تعداد زیادی دانه قرمز رنگ است. در فرهنگ فارسی معین آن را از تیره صلیبیان (چلیپایان) (Craciferes) دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

مزاج: تذری سرد است. در کتب قدیم آن را گرم و تر و بعضی گرم و خشک دانسته‌اند.  
خواص درمانی: دانه‌های این گیاه به دلیل داشتن لعاب فراوان نرم‌کننده سینه و التیام‌بخش سرفه است. آن را در مخلوط چارتخمک به مصرف می‌رسانند. همراه با رواترُوک (ravatorvak) (تاجر یزی) به صورت جوشانده، برای رفع بادماش کودکان استفاده می‌شود. همراه با تخم شربتی،

بارهنگ و گونی تیرک (goni te:rek) به صورت جوشانده نیز به همین منظور به مصرف می‌رسد. ابن سینا نوشته است: «اگر توذری را در آب بخیسانند و در آب بجوشانند و در وصله‌ای (پارچه‌ای) بپیچند و وصله را با خمیر پوشانند و خمیر را بریان کنند، آنگاه آن را بالیسیدنیها مخلوط کنند برای برآوردن خلطها مفید است.»<sup>۱</sup>

در فرهنگ فارسی معین آمده است: دانه‌های آن به عنوان ضداسکوربوت (بیماری که در اثر فقدان ویتامین C عارض می‌شود) و مدر و خلط‌آور به صورت شربت یادم کرده به مصرف می‌رسد و بیشتر در موارد گرفتگی صدا و بیماریهای حنجره به کار می‌رود.<sup>۲</sup>

جاشیر (jâšir) = جاشیر

گیاه‌شناسی: گیاهی است از خانواده شوید با برگهای بسیار بریده و متناوب. دارای گلهای چتری به رنگ زرد است. این گیاه به طور خودرو در کوههای دوان می‌روید. بوی آن معطر و شبیه به بوی گشنیز است. دکتر گل‌گلاب آن را از تیره چتریان دانسته است.  
مزاج: جاشیر گرم است.

خواص درمانی: معرق است و به همین دلیل پخته ساقه‌های آن را به صورت ضماد جهت رفع باد (درد مفاصل و استخوانها) روی موضع درد قرار می‌دهند. برای سرد مزاجان بسیار مفید است. آب پخته آن را می‌خورند. تعادل مزاج جاصل می‌شود.

چیرک گلو (če:rek-e golu) = شکر تیغال (Echinops rito)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و در کوههای دوان می‌روید. این گیاه دارای ساقه‌ای استوانه‌ای و راست است. برگهای آن پهن و خاردار با بریدگیهای عمیق است. پهنک آن پوشیده از کرکهای پنبه‌ای است. گل آن لوله‌ای و در یک مجتمع به صورت کره در انتهای ساقه ظاهر می‌شود. در محل اتصال برگ به ساقه پيله سفید رنگی دیده می‌شود که به وسیله حشره‌ای از خانواده سوسک بوجود می‌آید. این پيله که به شکرک (šakrek) موسوم است تنها عضو دارویی این گیاه است. شکرک دارای لعاب است و به مقدار زیاد دارای نشاسته و قند می‌باشد.

دکتر گل‌گلاب آن را گونه‌ای از جنس «Tubuli floriae» دانسته و نوشته است که جزو تیره مینا

است.<sup>۱</sup> در مخزن الادویه راجع به شکرک آمده است: «خانه و غلاف حیوانی است شبیه به مگس که در خار «انزروت» مانند کرم ابریشم از لعاب خود می تند و در آن می میرد. و بعضی را سوراخ کرده به در می رود. و آن خانه و غلاف در تازگی شیرین می باشد... و آن کرم را به شیرازی خزوکک (Larinus nidificans) و تیغال و خانه آن را شکر تیغال می گویند.»<sup>۲</sup>

مزاج: شکرک معتدل است و به سردی گرایش دارد.

عقیلی خراسانی نوشته است: در حرارت معتدل و در رطوبت بر آن غالب است.<sup>۳</sup>

خواص درمانی: شکرک به دلیل داشتن خاصیت نرم کنندگی و آرام بخشی جهت رفع سرفه و سینه درد و صاف شدن صدا به مصرف می رسد. آن را در مخلوطهای بنگوداغک و چارتخمک به همین منظور استفاده می کنند. عقیلی خراسانی نوشته است: «جهت سرفه و تصفیة صوت و خشکی گلو و معده نافع است.»<sup>۴</sup>

### چیش مزک (čiš mezek) = چشمیزک

گیاه شناسی: دانه گیاهی است شبیه به دانه شنبلیله که در اطراف دوان می روید. این دانه کشیده و زاویه دار است. رنگ آن قهوه ای تیره و شفاف است. در فرهنگ فارسی آمده است. گیاهی است از تیره پروانه واران و شبیه به سنای مکی است میوه اش مثل میوه باقلا نیام است و دانه اش قرمز و به اندازه دانه پسته مثلثی شکل، سیاه و براق است.<sup>۵</sup>

مزاج: چشمیزک در طب دوان گرم است. الهروی در الابنیه آن را گرم و خشک دانسته است.<sup>۶</sup>

خواص درمانی: دانه چشمیزک را می جوشانند و به اصطلاح آن را شیرین می کنند. بعد آن را خشک کرده پوست می کنند. مغز سفید آن را می کوبند و با نباتی که کاملاً پودر شده باشد، مخلوط می کنند و به وسیله سرمه کش در چشمی که پلک آن قرمز و لهیده باشد می کشند. به تنهایی نیز برای رفع باد سرخ که چشم بدان مبتلاست به مصرف می رسد.

ابوریحان گفته است: «درد چشم را که از ماده های سردی غلیظ باشد سود دارد.»<sup>۷</sup> در برهان

(۲) عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵: ۵۵۱

(۴) همانجا

(۶) الهروی، ۱۳۴۴: ۱۳۴

(۱) گل گلاب، ۳۹: ۲۲۲

(۳) عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵: ۵۵۱

(۵) معین، ۱۳۴۲: ۱۲۹۶

(۷) ابوریحان، ۱۳۵۸: ۸۱۲

قاطع نیز نوشته شده است: «دانه‌ای است سیاه و لغزنده که با نبات در چشم کشند.»<sup>۱</sup> این ماده را به صورت مالشی روی زخمهای سوختگی می‌مالند.

### خارتوکی (xâr tevaci) = چرخه (Onopordon acanthium)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و چند ساله که در زمینهای بایر روستای دوان به حد وفور می‌روید. دکتر زرگری در مورد آن نوشته است: «برگهای آن بزرگ، بیضوی و دراز با کتاره لوبدار و دندانه‌های منتهی به خار قوی و نوک تیز است. کاپیتول آن منفرد، خیلی بزرگ، مرکب از گلهای لوله‌ای قرمز رنگ و دارای براکته‌هایی است که قاعده آنها پوشیده از تارهای پنبه‌ای ولی در رأس آنها منتهی به نوک دراز و باریک و خمیده است. میوه آن فندقه، به رنگ خاکستری منقوش به لکه‌های سیاه و منتهی به یک دسته تار خرمایی رنگ است.»<sup>۲</sup>

مزاج: خارتوکی گرم است. ابوریحان نوشته است: «شکاع (چرخه) گرم و خشک است.»<sup>۳</sup> خواص درمانی: در دوان میوه رسیده آن را خشک می‌کنند، می‌کوبند و برای رفع دردهای گوارشی به مصرف می‌رسانند.

در قانون آمده است: «برگ و بیخش بسیار گیرنده است. به نفع معده و کبد است. در آب‌پز بیخش (ریشه‌اش) بنشینند علاج خونرویهای زنانه و برآمدگیهای پیزی (بواسیر) است.»<sup>۴</sup> دکتر زرگری نوشته است: «از جوشانده ریشه این گیاه سابقاً به عنوان مدر، مقوی معده و اشتها آور استفاده به عمل می‌آمده است.»<sup>۵</sup>

### خاکشیر (xâkšir) = خاکشی (Desca rainia sophia)

گیاه‌شناسی: گیاهی علفی و یکساله است که به فراوانی در زمینهای زراعتی روستای دوان می‌روید. دکتر زرگری در مورد آن نوشته است: «خاکشی از تیره شب‌بو و گونه‌ای از جنس «sisymbrium» می‌باشد. برگهای این گیاه متناوب و فاقد استیبول و غالباً ساده و دارای پهنک کامل با بریدگیهای غیر منظم است.»<sup>۶</sup>

مزاج: خاکشیر معتدل است و به هر مزاجی سازگار می‌باشد.

(۲) زرگری، ۱۳۶۷: ۱۲۳

(۴) ابن‌سینا، ۱۳۶۲: ۳۱۴

(۶) زرگری، ۱۳۶۱: ۱۵۵

(۱) برهان، ۱۳۶۱: ۶۴۲

(۳) ابوریحان، ۱۳۵۸: ۹۰۴

(۵) زرگری، ۱۳۶۷: ۱۲۳

خواص درمانی: خاکشیر یکی از داروهایی است که در موارد بسیار به مصرف می‌رسد. اولین دارویی است که برای پایین آمدن تب، بخصوص تب کودکانی که دچار سہیر (sahir مخمک) شده‌اند استفاده می‌شود. برای رفع دل آشو (del âšu) (حالت تهوع) در آب قند می‌ریزند و به صورت شربت قبل از صبحانه می‌نوشند. خاکشیر به عنوان ملین نیز به مصرف می‌رسد. برای این منظور مقداری شکر را در ظرفی ریخته و به اندازه یک ته استکان به آن آب اضافه می‌کنند و می‌جوشانند تا به اصطلاح گل بیندازد. بعد مقداری خاکشیر به آن اضافه می‌کنند. و بعد از کمی جوشیدن مقداری آب روی آن می‌ریزند و به بیمار می‌خورانند. خاکشیر را با زنیو (zenyu) و رواتروک (ravâtorvak) نیز به همین منظور و به صورت جوشانده به کودکان می‌خورانند. (ر - ک مخلوط شماره ۸ داروهای گیاهی). خاکشیر اشتها آور است از این رو برای رفع بی‌اشتهایی بسیار مفید است. دود خاکشیر را برای فرو نشاندن دانه‌های ریز و قرمزی که به ترگا (ter-e gâ) موسوم است و در اثر سردی در سطح بدن ظاهر می‌شود به کار می‌برند. خاکشیر داروی مؤثری برای رفع غلبه اخلاط بخصوص صفر است. برای منظور اخیر اگر خاکشیر را با آب غوره به مصرف برسانند مفیدتر است.

دکتر زرگری نوشته است: «خاکشی را سابقاً به صورت جوشانده جهت رفع اسهالهای ساده و رفع ترشحات زنانگی و ازدیاد ادرار مصرف زیاد داشته است. در طب ایرانی از خاکشی به عنوان خنکی و همچنین ملین، با آب سرد استفاده می‌شده است.»<sup>۱</sup>

ختمی (xatmi) = ختمی (*Althaea officinalis*)

گیاه‌شناسی: گیاهی است چند ساله که در مناطق مختلف جلگه کازرون و از جمله زمینهای زارعتی روستای دوان می‌روید. آن را جزو تیره پنیرکیان (Malvacees) دانسته‌اند. دارای ساقه‌ای ضخیم و بلند و برگهایی ستر و کرکدار بوده و همچنین گلهایی دارد که دارای پنج گلبرگ و پنج کاسبرگ است.

مزاج: در طب دوان مزاج ختمی را سرد دانسته‌اند. ابن سینا و ابوریحان آن را گرم میل به اعتدال دانسته‌اند.<sup>۲</sup> اما جالینوس آن را سرد معرفی کرده است.<sup>۳</sup>

۱) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۳۳۵ و ابوریحان، ۱۳۵۸: ۸۴۴

۲) زرگری، ۱۳۶۲: ۶۹۷

۳) عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵: ۳۹۴

خواص درمانی: گل ختمی به دلیل داشتن لعاب زیاد برای رفع یبوست بسیار مفید است. جوشانده آن را صاف کرده و به طریقه تنقیه، عمل می‌کنند. به دلیل داشتن مزاج سرد تب‌آور است همراه با داروهای دیگر در مخلوط چهار ریشه (ر-ك داروهای گیاهی) برای پایین آوردن تب به مصرف می‌رسد.

زکریای رازی نوشته است: «اگر گل ختمی در سرکه زده و روی سر گذاشته شود، برای سرگیجه و سردرد نافع است.»<sup>۱</sup> در کتاب داروخانه‌ای در کوه و دشت نیز آمده است: «تنقیه آن شناخته شده است، چه تحریکات روده‌ای و یبوست را علاج سریع می‌نماید.»<sup>۲</sup>

### خیارگرگو (xiyârgorgu) = هندوانه ابوجهل (Citrullus colocynthis)

گیاه‌شناسی: گیاهی است از خانواده هندوانه این گیاه در اطراف روستای دوان به صورت خودرو می‌روید. دارای برگهای متناوب با بریدگیهای عمیق است. میوه آن ظاهری شبیه به هندوانه دارد. اندازه آن تقریباً به اندازه پرتقال معمولی است. دارای تخمه‌های ریزی شبیه به تخمه‌های هندوانه است. طعم آن بسیار تلخ می‌باشد.

دکتر زرگری نوشته است: «حنظل از تیره کدو (Cucurbitaceae) گیاهی است علفی و یکساله که دارای ساقه خزننده و پیچک است. گل‌های آن بر دو نوع نر و ماده، يك پایه و منفرد است.»<sup>۳</sup> مزاج: خیارگرگو گرم است. ابن سینا و ابوریحان نیز آن را گرم و خشک دانسته‌اند.<sup>۴</sup>

خواص درمانی: تخمه‌های آن برطرف کننده رطوبت بدن است که از سردی عارض شده باشد، باد معده و روده را برطرف می‌کند. چنانچه با مزاج بیماری سازگار باشد بسیار مفید واقع می‌گردد. به دلیل تلخی بیش از حد آن، اغلب آن را می‌کوبند و با خبه‌های خرما مخلوط می‌کنند و خرما را بعد از چنگ زدن به صورت قرصهای کوچک در می‌آورند و آن را فرو می‌دهند. با خوردن آن معده فعال می‌شود و روده شروع به حرکات دودی می‌کند و شکم روزی چند بار اجابت مزاج می‌نماید.

ابن سینا آن را با معده ناسازگار دانسته و نوشته است: «در بیرون راندن بلغم پُر مایه و غلیظ از مفاصل و پی‌ها ویژگی دارد. زرداب را نیز روان سازد و برای علاج قولنج تر و قولنج بادی

(۲) فابرس، ۱۳۵۷: ۱۰۷

(۱) رازی، ۱۳۶۳: ۳۵

(۴) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۱۵۳ و ابوریحان، ۱۳۵۸: ۸۲۶

(۳) زرگری، ۱۳۴۱: ۲۰۵

دارویی مفید است.<sup>۱</sup>

### در تیسَنک (dar-e tisak)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی که به وفور در منطقه دوان می‌روید. دارای برگهای متناوب شبیه به برگ چرخه که انتهای بریدگیهای آن دارای خار است. ساقه‌های صاف، بدون کرک و شفاف دارد. گلهای گیاه در انتهای ساقه به صورت مجتمع ظاهر می‌شود. در صورت خراش دادن ساقه آن شیره‌ای سفید رنگ خارج می‌شود که به «مُل کزک» (mol kazrak) موسوم است. این شیره در مجاورت هوا سریعاً زرد رنگ و سفت می‌شود.

مزاج: مزاجش گرم است.

خواص درمانی: مُل کزک برای رفع بادی که به گلو می‌افتد بسیار مفید است. رفع‌کننده سرفه‌های خشک و نرم‌کننده گلو (نای) است. به همین منظور شبها قطعه کوچکی از آن را می‌خورند. پخته شده برگ آن مخلوط با برگ بدم کزک (badom-e kane:k) (نوعی بادامچه) و برگ توله (tula) = پنیرک، به دلیل گرمی مزاج آنها، قادر به باز کردن سر دُمَل و زخمهای چرکین است.

### دلو (dalu)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی که در کوههای دوان می‌روید. این گیاه دارای ساقه راست و چوبی به ارتفاع ۵۰ - ۳۰ سانتی‌متر با برگهای متقابل و بیضوی است. ریشه آن متورم است. مزاج: دلو گرم است.

خواص درمانی: داروی خوبی برای رفع باد (رماتیسم) و درد مفاصل و استخوانهاست. برای افرادی که باذماش دارند توصیه نشده است. زیرا ایجاد فشردگی در گلو می‌کند و باعث خفگی بیمار می‌گردد.

ریشه این گیاه را پوست می‌کنند و مغز سفید آن را می‌کوبند و برای رفع بیماریهای رماتیسمی به مصرف می‌رسانند. این گیاه جنین را سقط می‌کند. مردم دوان معتقدند که حتی بوی آن نباید به مشام زنان حامله برسد. زیرا باعث خونریزی و سپس سقط جنین می‌شود. به همین دلیل آن را در



میان انبوهی از گاه نگهداری می‌کنند که بویش در فضا نپیچد. این گیاه هم به صورت دم کرده و هم به صورت حلوا در آرد گندم به مصرف می‌رسد.

**دِنِك (denek) = دِن (به لهجه شمیرازی)**

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله که در زمینهای بایر روستای دوان به حد وفور می‌روید. دارای برگهای بسیار بریده، شبیه به برگ بومادران است. گل‌های آن مرکب چتری، بهم فشرده و دارای مجتمع‌های سه، چهار یا پنج قسمتی است. رنگ آن بنفش یا گلی است ساقه آن چوبی بدون کرک است. ارتفاع آن از ۵۰ - ۴۰ سانتی‌متر تجاوز نمی‌کند. بوی آن تند و مطبوع و مزه آن اندکی تند شبیه به مزه نانخواه است.

مزاج: دِنِك گرم است.

خواص درمانی: اثری قاطع در رفع سردی و رطوبت مزاج دارد. بادشکن است و دستگاه گوارش را می‌بالاید. آب خیسانده گل آن که از شب تا صبح مانده باشد برای رفع عطش و بردن خشکی دهان بسیار مفید است. دِنِك در مخلوطهای پکمه و چارآرق (چهار عرق) (ر-ك داروهای گیاهی) برای رفع ناراحتی‌های معده و دستگاه گوارش به مصرف می‌رسد.

**دونیشت (duništ) = اسپند - اسفند (Peganum harmala)**

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و چند ساله که در زمینهای بایر روستای دوان می‌روید. دارای برگهای متقابل، بسیار بریده و غیر منظم به رنگ سبز روشن است. گل‌های آن منظم و دارای پنج گلبرگ به رنگ سفید است. میوه آن دارای تخمدان سه قسمتی به اندازه دانه نخود و حاوی دانه‌های سیاه رنگ زاویه دار است.

دکتر زرگری آن را از جنسهای تیره اسفند (Zygophyllaceae) دانسته و پیدایش آن را به دوره سوم نسبت داده است.<sup>۱</sup>

این گیاه نزد مردم دوان بسیار محترم است و نام آن از اعتقاد مذهبی مردم قدیم دوان سرچشمه گرفته است.<sup>۲</sup>

(۱) زرگری، ۱۳۴۱، جدا گلبرگ، ۲۵۲

(۲) به اعتقاد نگارنده دونیشت از دو قسمت دون = دان = دانه و ایش = یشت از امشاسندان است. دکتر معین نیز راجع به اسپند چنین نوشته است: اسپند (spanfa مقدس) یکی از امشاسندان، نماینده بردباری و سازش اهورا و نگاهبانان زمین است. (فرهنگ فارسی زیر واژه اسپند).

مزاج: دونیشت گرم است. ابن سینا و عقیلی خراسانی نیز آن را گرم و خشک دانسته‌اند.<sup>۱</sup>  
 خواص درمانی: یکی از موارد مهم استفادهٔ دونیشت در طب سنتی دوان مصرف آن جهت رفع ناراحتی‌های دستگاه گوارش است. اگر دانهٔ پودر شدهٔ اسفند را در یک لیوان آب بریزند و سر بکشند، رفع مسمومیت غذایی می‌کند. شخص مسموم بلافاصله بعد از نوشیدن استفراغ می‌کند و معده از غذای مسموم پاک می‌شود. علاوه بر این پودر دانهٔ اسفند اگر روی زخم سودایی پاشیده شود، زخم التیام می‌یابد. کوبیدهٔ برگ سبز آن همراه با حنا که به صورت خمیر در آمده باشد برای سرباز کردن دُمَل و دانه‌های چرکی بسیار مفید است.

### دَوُی اقرو (davo-y aqrav)

گیاهی است علفی و یکساله که به طور خودرو در کوه‌های دوان می‌روید.  
 مزاج: گیاهی است با مزاج گرم.

خواص درمانی: از جوشاندهٔ این گیاه به عنوان پادزهر سم عقرب استفاده می‌شود. اگر کوبیده برگ آن را با گردنباکو و برگ پونه به صورت ضماد بر موضع عقرب گزیدگی قرار دهند اثر سم عقرب را خنثی می‌کند.

### رَوَاترُوك (ravâtorvak) = تاجریزی سیاهه (Solanum nigrum)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله که بندرت در کنار چشمه‌های دوان به طور خودرو می‌روید. گرچه خودروست اما به دلیل اهمیت طبی آن، آن را محافظت می‌کنند و هر ساله از میوه‌های آن برداشت می‌نمایند.

برگ‌های آن بیضوی و به رنگ سبز تیره و دارای کناره‌ای با دندانه‌های کم است. گل‌های کوچک و سفید رنگ آن در فاصلهٔ ماه‌های خرداد تا شهریور پدید می‌آید. میوه‌اش سته کروی است که در آغاز سبز ولی تدریجاً قرمز رنگ می‌شود. طعم آن تلخ و ناپسند است.<sup>۲</sup>

مزاج: رواترُوك سرد است. ابوریحان و عقیلی خراسانی نیز آن را سرد و خشک دانسته‌اند.<sup>۳</sup>  
 خواص درمانی: تاجریزی مسکن خوبی برای رفع ناراحتی‌های گوارشی نوزادان است. همراه

(۱) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۲۵۹ و عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵: ۳۵۲

(۲) زرگری، ۱۳۴۷: ۴۹۸

(۳) ابوریحان، ۱۳۵۸: ۴۹۷ و عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵: ۶۲۰

با نانخواه و گل گاو زبان برای رفع یبوست نوزادان به مصرف می‌رسد. در مخلوط جوشنده به عنوان ملین از آن استفاده می‌شود. در مخلوط خرده نیز برای رفع دل درد نوزادان تازه متولد شده به مصرف می‌رسد. تاجریزی را در مخلوط چهار ریشه جهت مداوای بیماری لاتِه پَـلِـلی (lâta pa:li) (ذات الجنب) به مصرف می‌رسانند.

دکتر زرگری نیز در مورد مسکن بودن آن نوشته است: «مخدر و به علت دارا بودن سولانین دارای اثر مسکن است.»<sup>۱</sup>

#### رونیا سگ (runiyâsk) = روناس (Rubia tinctorum)

گیاه‌شناسی: گیاهی علفی است. دارای برگهای متقابل، بیضوی نوک تیز و کشیده است ساقه آن زاویه دار و پوشیده از خارهای کوچک و گل‌های آن چتری مرکب و به رنگ زرد است. این گیاه در کوه‌های دوان به طور خودرو می‌روید.

مزاج: رونیا سگ گرم است ابوریحان نیز آن را گرم و خشک معرفی کرده است.<sup>۲</sup> خواص درمانی: روناس بندآورنده خون و مقوی رحم است. از این جهت برای قطع خون حیض زنانی که به هنگام قاعدگی خونروی زیاد دارند مفید است. برای این منظور مقداری از گرد روناس را همراه با نبات و زرده تخم مرغ در لیوان آب حل می‌کنند آن را سر می‌کشند. از روناس در خصوص شکسته‌بندی نیز استفاده به عمل می‌آید. گرد آن را با سفیده تخم مرغ مخلوط می‌کنند تا به حالت خمیر در آید. این ماده را روی موضع شکستگی قرار می‌دهند. این ماده در واقع کار گچ امروزی را می‌کند و محل شکستگی را از جابجایی و حرکت باز می‌دارد.

#### زازی (zâzi) = انزروت

گیاه‌شناسی: گیاهی است چند ساله و علفی. شاخه‌های آن پوشیده از خارهای بلند به اندازه سوزن خیاطی است. دارای برگهای کوچک بیضوی است. گل‌های آن شبیه به بادکنک و به رنگ قرمز است. که بعد از خشک شدن به سفیدی می‌گراید و شبیه به پیلۀ کرم ابریشم می‌شود. در اثر شکافتن ساقه اصلی این گیاه شیرهای به نام گنج (gondz) تراوش شود این شیر پس از خشک شدن تُرد و شکننده می‌گردد.

مزاج: گنج گرم است.

خواص درمانی: عنصر دارویی این گیاه شیره آن (گنج) است. به دلیل گرمی طبعش سرسفت زخم راه می‌کند و باعث سرباز کردن آن می‌شود. در مداوای چشم درد نیز مورد مصرف دارد. برای مداوای تراخم چشم بسیار مفید است. به همین منظور در دوی پُته (davo-y po:ta) (رک داروهای گیاهی) مورد مصرف قرار می‌گیرد.

در مخلوط شاف مراره نیز برای برطرف شدن «غر» (qar) (غبار آلودگی چشم) استفاده می‌شود. اگر گنج را همراه با مقداری مناسب قند بکوبند، برای برطرف شدن اسهال کودکان و پاک شدن معده و روده، بسیار مفید است.

زنیو (zenyu) = نانخواه (زنیان) (*Ammi copticum*)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله، دارای برگهای بسیار بریده شبیه به برگ شوید و گل‌های آن سفید چتری است و میوه‌های شبیه به میوه شوید دارد. این گیاه در زمینهای روستای دوان می‌روید.

دکتر زرگری آن را از تیره جعفری و از راسته چتریان مرکب دانسته است.

مزاج: زنیو گرم است. ابن سینا آن را فقط خشک مطرح کرده است.

خواص درمانی: زنیان بادشکن است، و بندآمدگیهای گوارشی را می‌کشاید و هضم را آسان می‌کند. رافع باد هیزه و تریشه و حالت برگشتگی معده است. در مخلوط چارآرق به منظور رفع معده درد بزرگسالان و در خَزده به منظور رفع دل درد نوزادان و باگل گاوزبان و رواتروک برای رفع یبوست در کودکان به مصرف می‌رسد.

در کتاب قانون آمده است: «دل بهم آمدن و تهوع را تسکین دهد. گرده و مثانه را می‌پالاید.

بادشکن است، درد و پیچ روده را تسکین می‌دهد.»<sup>۱</sup>

سربرنجاسک (*sarberendzâsk*) = بومادران (*Achillea millefolium*)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله. در زمینهای بایر روستای دوان می‌روید. این گیاه گونه‌ای از بومادران است. برگ آن دارای بریدگیهای عمیق است. گل آن مجتمع و به صورت چتر

در انتهای ساقه ظاهر می‌شود. رنگ گل آن زرد و بوی آن تند و مطبوع است.

مزاج: سربرنجاسک گرم است. ابن سینا نیز آن را گرم و خشک دانسته است.<sup>۱</sup>

خواص درمانی: بومادران جزو گیاهانی است که برای رفع ناراحتیهای دستگاه گوارش از جمله درد معده - پیچش روده و اسهالهای معمولی به مصرف می‌رسد. جوشانده سر شاخه‌های گلدار آن درد معده را فرو می‌نشانند. در مخلوط پکمه و چارارق (ر-ک داروهای گیاهی). برای رفع بخار سودا به مصرف می‌رسد. دم کرده آن برای بند آمدن استفراغ و از بین بردن حالت تهوع مفید است. چون مدر است برای زیاد کردن ادرار و بیرون ریختن خون حیض استفاده می‌شود. به دلیل تأثیر آن بر رحم و همچنین به دلیل مزاج گرم آن برای زنان حامله مضر است.

در کتاب قانون نوشته شده: «حیض را ریزش دهد و بچه را بیرون آورد سنگ‌گرده و آبدان را خرد می‌کند»<sup>۲</sup>

دکتر زرگری نیز نوشته است: «دم کرده سر شاخه‌های گلدار آن در رفع گاستریت (دردهای معده) حاد و مزمن، نفخ و ترش کردن غذا اثر نافع ظاهر می‌کند. اثر قاعده آور بومادران باعث آن گردید که در طی قرون متمادی، مردم از آن پیوسته استفاده به عمل آوردند»<sup>۳</sup>

سگ چـ ل (sag čel)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله که بوفور در نقاط کوهستانی دوان می‌روید.

مزاج: سگ چـ ل گرم است.

خواص درمانی: داروی مفیدی برای رفع باذ (رماتیسم) مفاصل و استخوانهاست. برگهای آن را می‌جوشانند و به صورت ضماد روی موضع درد قرار می‌دهند. در اثر گرمایی که تولید می‌کند، موضع درد عرق می‌کند و درد آرام می‌گیرد.

شآترة (šatarra) = شاهترة (Fumaria parviflora)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله که در دیواره‌های مرطوب کوههای دوان می‌روید.

دکتر زرگری در مورد آن نوشته است: جزو تیره شاه‌ترة (Fumaria ceae) گیاهی است دارای برگهای متناوب با بریدگیهای بسیار و فاقد استیبول می‌باشد. گلهای آن نامنظم، مجتمع به صورت

خوشه یا گرزن است.<sup>۱</sup>

مزاج: شاتره سرد است. ابن سینا نیز آن را سرد و خشک معرفی کرده<sup>۲</sup>، اما عقیلی خراسانی آن را گرم و خشک دانسته است.<sup>۳</sup>

خواص درمانی: داروی مناسبی برای رفع بیماریهای سوداست. دود آن را برای فرو نشانیدن خارش پوستی به کار می‌برند. آن را همراه با توله (tula) (پنیرک) و حنا برای رفع بخار سودا به صورت خمیر استفاده می‌کنند. این دارو باعث خنکی بدن می‌شود و با استفاده از آن بدن از خارش باز می‌ماند. شاهتره را در مخلوط دیگری (ر-ك مخلوط شماره ۱۷ - داروهای گیاهی) به صورت خمیر تهیه می‌کنند و روی زخمهای سودایی قرار می‌دهند.

ابن سینا در مورد آن نوشته است: «خوردنش داروی خارش و گری است.»<sup>۴</sup> در کتاب داروخانه‌ای در کوه و دشت آمده است: «بدون تردید دارای اثر خالی کننده کيسه صفراست. و عمل کبدی آن بخصوص در یرقانه‌ها تأیید شده است... و در ناخوشی‌های مزمن پوستی (که کبد در آن نقشی دارد). دارای زل اساسی است.»<sup>۵</sup>

شملی (šamli) = شنبلیله (*Trigonella Foenum - graecum*)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله. این گیاه به مقدار کم در زمینهای اطراف روستا کشت می‌شد. دارای برگهای متناوب سه برگچه‌ای است. گل‌های آن شبیه به گل نخود و به رنگ زرد دانه آن به اندازه کنگد و به رنگ قهوه‌ای است.

آن را جز و تیره فرعی پروانه‌واران (*Papilionaceae*) و از جنس «*Trifolieae*» دانسته‌اند. میوه آن را خمیده به طول ۳ تا ۱۰ سانتی‌متر و محتوی ۵ تا ۱۰ دانه معرفی کرده‌اند.<sup>۶</sup>

مزاج: شملی سرد است. ابن سینا آن را گرم و خشک دانسته است.<sup>۷</sup>

خواص درمانی: دانه شنبلیله داروی ضد باذ (رماتیسیم) مفصلی است. از آن، جهت آماده شدن رحم برای پذیرش جنین نیز استفاده می‌شود. دانه تقویت‌کننده است از این جهت در غذای

(۲) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۳۱۰

(۴) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۱۵۸

(۶) زرگری، ۱۳۶۱: ۳۴۷

(۱) زرگری، ۱۳۶۱: ۱۵۳

(۳) عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵: ۵۳۸

(۵) فارس، ۱۳۵۷: ۹۳

(۷) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۱۵۸

بیماران مورد مصرف قرار می‌گیرد.

در کتاب قانون در مورد آن آمده است: «زنانی که زهدان سخت دارند و به دشواری بچه می‌آورند و دارای زهدان خشکند، خزرچه (برگ تازه) شنبلیله و پیه اردک سازند و آن را شیاف کنند، همین شیاف صاحبان بواسیر کنند مفید است.»<sup>۱</sup>

دکتر زرگری نیز در مورد آن نوشته است: «دانه شنبلیله نه تنها اثر نرم‌کننده دارد، بلکه دارویی است نیرو بخش که می‌توان با مصرف آن قوای از دست رفته را ترمیم کرد.»<sup>۲</sup>

**شیش وینگ (šišving) = اِفدرا (Ephedra distachya)**

گیاه‌شناسی: گیاهی است پایا که در کوه‌های دوان به صورت خودرو می‌روید. ارتفاع آن تا ۲ متر و گاهی بیشتر می‌رسد. دارای شاخه‌های گره‌دار، کوتاه و سوزنی است. برگ‌های آن کوچک بیضوی به رنگ سبز کدر تیره است. میوه آن شفاف و به اندازه دانه انار است. مزاج: شیش وینگ سرد است.

خواص درمانی: شیش وینگ (افدرا) مؤثرترین دارو برای از بین بردن خُره (Xora) (جذام) است. کوبیده شاخه‌های خشک شده آن را مکرراً بر زخم‌های جذام می‌پاشند. تا به مرور التیام یابد. از جوشاندن سر شاخه‌های تازه و سبز آن ماده کشداری بدست می‌آید که برای بهبود زخم‌های کهنه شده بسیار مفید است.

دکتر زرگری تأثیرهایی از جمله تنگ شدن مجاری عروق (Vaso-const)، بالا رفتن فشار خون باز شدن مردمک چشم و مخصوصاً رفع عوارض آسم برای آن قائل شده و در مورد آسم تأثیر آن را قاطع می‌داند. همچنین آن را محرك انقباضات رحمی، حرکات دودی شکل معده و روده و ترشحات معده و آب دهان معرفی کرده است.<sup>۳</sup>

**غرق (qarq) = استتبرق (calotropis procera)**

درختچه‌ای پایاست که در کوه‌های دوان به طور خودرو می‌روید. برگ‌های آن شبیه به برگ‌های سیب اما بدون دم‌برگ است. گل‌های آن منتهی به لوب‌های گسترده با تاجی از فلس‌های پوشیده از تار است.

مزاج: غرق گرم است.

خواص درمانی: برگ غرق معرق است. برگ غرق تازه چیده شده را روی آتش می‌گیرند. بعد از گرم شدن آن را موضع درد قرار می‌دهند و با پارچه‌ای روی آن را می‌بندند. در اثر گرمای برگ موضع درد عرق می‌کند و درد تسکین می‌یابد. تأثیر این برگ بر روی پوست به قدری است که نباید بیش از یک ساعت روی بدن بماند. زیرا پوست تاول می‌زند. دکتر زرگری آن را قوی آور و معرق دانسته است.

فرنجمشک (feranjomešk) = فرنجمشک (Melissa-officinalis)

گیاه‌شناسی: گیاهی است از خانوادهٔ ریحان. دارای برگهای متقابل، دندانه‌دار و شبیه به برگ ریحان است. ساقهٔ آن منشعب و علفی است. گل‌های لوله‌ای دارد که به صورت مجتمع در کنار برگها ظاهر می‌شود. میوهٔ آن قهوه‌ای متمایل به سیاه است این گیاه در منطقهٔ دوان یافت می‌شود. دکتر زرگری آن را گونه‌ای از جنس «Melissa» دانسته است.<sup>۱</sup>

مزاج: فرنجمشک خنک (سرد) است. ابوریحان و عقیلی خراسانی آن را گرم و خشک دانسته‌اند.<sup>۲</sup>

خواص درمانی: این گیاه به دلیل داشتن مزاج خنک داروی مناسبی برای رفع ناراحتیهای قلبی و رفع گرم‌زدگی است. چون مقوی است به صورت شربت برای تقویت بنیه به مصرف می‌رسد. با عرق گل گاوزبان برای رفع باذحول (hâq-e hôl) (تشنج ناشی از ناراحتی‌های عصبی) به کار برده می‌شود. از دانه‌های فرنجمشک برای رفع بُرداردل (bordâr-e del) (احساس چنگ‌زدگی معده) نیز استفاده می‌شود. ابن سینا آن را جهت رفع خفقان قلب ناشی از بلغم و سودا مفید دانسته است.<sup>۳</sup> دکتر زرگری در مورد آن نوشته است: «فرنجمشک در رفع دل‌پیچه‌های ناشی از نفخ معده که منشأ عصبی دارد و احساس چنگ‌زدگی در معده، اختلالات عصبی، تپش قلب، سردردهای یکطرفه، سرگیجه و بیماریهای مختلف دستگاه تنفس مفید تشخیص داده شده است.»<sup>۴</sup>

کاشنی (kâšni) = کاشنی (Cichorium intybus)

گیاه‌شناسی: آن را از تیرهٔ مرکبان دانسته‌اند. این گیاه در کوه‌های دوان و در مناطق مرطوب و

۱) زرگری، ۱۳۴۱: ۱۳۷

۲) ابوریحان، ۱۳۶۲: ۹۴۴

۳) زرگری، ۱۳۴۷: ۶۲۷

۴) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۲۷۴



نسایه دار می‌روید. دارای برگهای نسبتاً دراز نوک تیز و پوشیده از کرک است. گل‌های آن سفید و ساقه‌اش خشن و استوانه‌ای است. ریشه‌ای بسیار ضخیم دارد.

مزاج: کاشنی سرد است. ابن سینا و ابوریحان نیز آن را سرد و خشک دانسته‌اند.<sup>۱</sup>  
خواص درمانی: دم کرده برگ آن مقوی رحم است. معمولاً برای رحمی که توان پذیرش جنین را نداشته باشد و در ماههای اول رشد جنین، جنین سقط شود، به مصرف می‌رسد. کاشنی چون سودا بر است در مواقع غلبه سودا همراه با دوغ و ماست به مصرف می‌رسد.

#### کتیره (katira) = گون (Astragalus glycopyylos)

گیاه‌شناسی: گیاهی است پایا که به صورت درختچه در کوه‌های دوان می‌روید. دارای ساقه‌های خاردار و برگهای مرکب متشکل از برگچه‌های متعدد است. گل‌هایش مجتمع به صورت سنبله می‌باشد. اگر در ساقه‌اش شکافی ایجاد شود، شیره‌ای سفیدرنگ از آن خارج می‌شود که در مجاورت هوا می‌بندد. این شیره را کتیره گویند که از نام گیاه گرفته شده است. در فرهنگ فارسی جزو تیره سبزی آسها و از دسته اسپر سها معرفی شده است.<sup>۲</sup>

مزاج: کتیره سرد است. ابوریحان از قول ارجاوی نوشته است: سرد است اما در تری و خشکی معتدل است.<sup>۳</sup>

خواص درمانی: به دلیل لعابی که دارد، سینه را نرم و سرفه را رفع می‌کند. برای این منظور در مخلوط چار تخمک از آن استفاده می‌شود. برای رفع ریزش مو و همچنین از بین بردن موخوره آن را همراه با گل ختمی و برگ کُتار (سدر) به صورت خمیر، قبل از شستن مو روی سر می‌گذارند.

ابوریحان در مورد آن نوشته است: «ملین است و قوت داروهای تیز را شکننده است و حلق و شش را نرم کند و سرفه و خشکی را نافع است.»<sup>۴</sup>

#### کیزفتی (kernati) = کرچک (Ricinus communis)

گیاه‌شناسی: کرچک از تیره فریون (Euphorbiaceae) گیاهی است که گل‌های آن بر دو نوع نر و ماده اما یک پایه است. هر گل نر دارای پوششی مرکب از ۵ کاسبرگ است و در داخل آن

۱) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۱۲۷ و ابوریحان، ۱۳۵۸: ۷۲۱ (۲) معین، ۱۳۴۵: ۳۴۷۳

۳) همانجا

۴) ابوریحان، ۱۳۵۸: ۵۸۶

پرچمهای فراوان و متهی به يك بساك جای دارند. گلکهای ماده پوششی مرکب از سه کاسبرگ و مادگی سه برچهای است. دارای برگهای متناوب، پهن و پنجه‌ای و ساقه‌اش بندبند است.<sup>۱</sup> این گیاه در اطراف کازرون به طور خودرو می‌روید.

مزاج: کرنتی گرم است. ابوریحان آن را گرم و خشک معرفی کرده است.<sup>۲</sup>

خواص درمانی: از دانه‌های کرچک، روغنی تهیه می‌شود که در دوان به نام روغن کرنتی (ruqan-e kernati) موسوم است. آن را روغن شیره (ruqan-e šira) هم نامیده‌اند. این روغن پیوست را از بین می‌برد. به صورت مالشی نیز برای رفع کوفتگی، و دردهای زیرپوست (ماهیچه‌ای) به مصرف می‌رسد.

ابن سینا نوشته است: «اگر ۳ دانه کرچک را بکوبند و بسایند و تناول نمایند، اسهال آورد و بلغم را بیرون آورد. کرچک تحلیل برنده و ملین است.»<sup>۳</sup>

دکتر زرگری نیز نوشته است: «مصرف آن با تحریکات روده همراه است به علاوه آن را مناسبترین مسهل در دوره آبستنی می‌دانند.»<sup>۴</sup>

### کمر زری (kemar zari)

کمر زری جزو رویدنیهای منطقه دوان است. گیاهی است چند ساله که به صورت بوته در دیوارهای کوه که مرطوب و سایه‌دار باشد می‌روید. برگهای آن متقابل و شبیه به برگ نعناست. مزاج: کمر زری گرم است.

خواص درمانی: دم کرده شاخ و برگ آن داروی آرامبخش و مؤثری برای درد مفاصل و همچنین باذسرد (bâg-e sard) است.

### کیورک (keverek) = کَبَر (Capparis spinosa)

گیاه‌شناسی: گیاهی است چند ساله و علفی. ساقه آن رونده است و برگهای آن منفرد که به طور متناوب قرار دارد. گلکهای آن در کنار برگها ظاهر می‌شود. دارای گلبرگهای سفید و پرچمهای فراوان است. میوه آن هبیتی شبیه به هندوانه دارد. اندازه آن به دانه بادام شیرین می‌رسد که به گُلک (golak) موسوم است. این گیاه به حد وفور در زمینهای بایر روستا می‌روید.

(۲) ابوریحان، ۱۳۵۸: ۸۴۰

(۴) زرگری، ۱۳۶۲: ۹

(۱) زرگری، ۱۳۴۱، ۲۲۵

(۳) ابن سینا، ۱۳۶۲، ۳۵۰

مزاج: کورک گرم است. ابوریحان و عقیلی خراسانی آن را گرم و خشک دانسته‌اند.<sup>۱</sup>  
 خواص درمانی: ساقه کورک را همراه با زهره = کیسه صفرا (گاو - مرغ و...) که خشک شده  
 می‌کوبند و برای رفع بوسیل (bosil) (بواسیر) به کار می‌برند. ریشه این گیاه در دارویی به نام شاف  
 (sâf) که به صورت قرصهایی در دسترس قرار می‌گیرد، به منظور از بین بردن بوسیل باذی  
 استعمال می‌شود. ابن سینا نوشته است: «حیض را راه اندازد. کرمهای ریز و درشت را از روده  
 بیرون راند و داروی بواسیر است.»<sup>۲</sup>

گَـكُو (ka:kö)

گیاه‌شناسی: درختچه‌ای است شبیه به سرخ و لیک (در گویش گرگانی) که در کوههای دوان  
 می‌روید. دارای برگهای بیضوی ساده و ساقه خاردار است. میوه‌اش که به بَرکَـکُو (har-e kakö)  
 موسوم است شفت است و تازه آن دارای پوستی بسیار شکننده است که با کمترین فشار می‌ترکد و  
 مایع چسبنده‌ای از آن تراوش می‌کند.  
 مزاج: کَـکُو سرد است.

خواص درمانی: اگر بَرکَـکُو را در سرکه سال بجوشانند به طوری که مایع غلیظی از آن بدست  
 آید، برای سرباز کردن دُمَل چرکین بسیار مؤثر است. دم کرده آن برای رفع سرماخوردگی و نرم  
 شدن سینه بسیار مفید است. اگر در تنباکوریخته شده و در قلیان دود کنند، درد دندان را تسکین  
 می‌دهد. گرد دانه آن را نیز به منظور اخیر در پای دندان می‌ریزند.

گازرک (gâzerak)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله. در کوههای دوان به حد وفور می‌روید. دارای  
 ساقه‌های باریک به ارتفاع ۴۰ - ۳۰ سانتی‌متر و برگهای بیضوی کوچک و گل‌های سفید و منظم و  
 کامل است.

مزاج: گازرک گرم است.

خواص درمانی: آرامبخش است. برای تسکین درد زایمان به صورت جوشانده به زانو

۱) ابوریحان، ۱۳۵۸: ۵۷۹ و عقیلی خراسانی، ۱۳۵۵: ۷۲۹

۲) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۱۹۰

می‌خورانند. برای رفع درد معده نیز مفید است. در داروی پکمه به همین منظور به مصرف می‌رسد. دم کرده آن جهت مداوی باذ (درد مفاصل و استخوانها) به کار می‌رود. در مخلوط شاف مراره (šâf-e marâra) (ر - ك داروهای گیاهی) برای چشم درد نیز به کار می‌رود. دم کرده آن در تنظیم قاعدگی مفید است.

#### گازوو (gâzavu) = گاوزبان (Anchusa Italica)

گیاه‌شناسی: این گیاه که با گاوزبان معمولی تفاوت دارد، دارای برگهای پهن بیضوی نوک تیز و پوشیده از کرکهای سفید خار مانند است. ساقه‌اش علفی و پوشیده از کرکهای مزبور است. دارای گل‌های لوله‌ای بنفش است. پرچمهای آن تقریباً به تعداد گلبرگهاست. اعضاء مختلف این گیاه بخصوص برگهای آن دارای لعاب فراوان است. این گیاه در طب سنتی دوان موارد استفاده زیاد دارد. مردم هر ساله موقع به گل نشستن آن، برای مصرف سالیانه خود می‌چینند و خشک می‌کنند و در محلی خشک نگهداری می‌کنند.

مزاج: گازوو گرم است.

خواص درمانی: دم کرده گل و برگ آن بهترین داروی رفع تشنج ناشی از ناراحتی‌های عصبی است. به دلیل گرمی مزاجش ضدبیماریهای سردی است. در مخلوطهای بسیاری از جمله شاف مراره، (برای رفع غبار آلودگی چشم) چار آرق (برای رفع درد معده) مخلوطی از رواتروک و زنیو برای رفع یبوست اطفال به کار می‌رود. عرق آن نیز به منظور رفع ناراحتی‌های ریوی و سرماخوردگی به مصرف می‌رسد.

ابن سینا آن را ضد تشنج دانسته و نوشته است: «علاج بیماری ترس (توحش) است تپش قلب را

از بین می‌برد. علاج بیماری سودایی است و در علاج سرفه مفید است.»<sup>۱</sup>

#### گاہاک (gâhâk)

گیاهی است علفی و یکساله که در زمینهای بایر روستای دوان و باغهای مرکبات بیشاپور کازرون به طور خودرو می‌روید. میوه آن در غلافی قرار دارد که به گویش دوانی آن را کلیل ملک (kelil malek) می‌گویند.

مزاج: گاهاك سرد است.

خواص درمانی: از میوه آن جهت رفع اسهال نوزادان استفاده می‌شود. جوشانده میوه آن را همراه با رواتروك برای رفع سقل (seq) (گرفتگی لوله گوارش) کودکان به مصرف می‌رسانند. اگر با خاکشیر و رواتروك کوبیده شود تا حدی که به روغن بنشیند، جهت رفع قیلک (qilek) (مدفوع سیاه رنگ نوزادان تازه متولد شده) بسیار مفید واقع می‌شود.

گل دیشك (gol-e dišk)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله دارای میوه‌ای شبیه به هلال ماه نو (ناخن چیده شده) که در زمینهای بایر روستای دوان می‌روید. درون غلاف آن دانه‌های سفید رنگ‌ریزی به اندازه برنج قرار دارد. آن را از این جهت گل دیشك گویند که برای مداوای دیشك (تراخم) به مصرف می‌رسد.

مزاج: گل دیشك سرد است.

خواص درمانی: مغز میوه آن را همراه با نبات می‌کوبند تا کاملاً پودر شود. آن را چون سرمه به زیر پلك چشم می‌کشند، در اثر آن دانه‌های خونین تراخم می‌ترکد. با چندین بار استفاده چشم التیام می‌یابد.

گل گن (gol-e gan)

گیاهی است پیازدار و چند ساله که در کوههای دوان می‌روید. گل‌های آن شبیه به گل زنبق است.

مزاج: گل گن سرد است.

خواص درمانی: آرامبخش است، همراه با قند می‌کوبند، در شیر یا آب حل می‌کنند و به کودکانی که کم‌خواب باشد و ناآرامی کند، می‌خورانند. داروی برطرف کننده باذ سرخ است. آن را با سرکه سال مخلوط می‌کنند و به پوست مبتلا به باذ سرخ می‌مالند.

گندنا (gandenâ) = تره (Allium porrum)

گیاه‌شناسی: گیاهی است از خانواده سیر دارای برگهای بلند، باریک و ساقه آغوش. گل آن مجتمع و به صورت گرز کروی است که در انتهای ساقه میانی قرار دارد. گندنا جزو سبزیهای خوردنی است که در باغچه‌های روستا کشت می‌شود.

مزاج: گندناگرم است. ابوریحان نیز آن را گرم دانسته است.<sup>۱</sup>  
 خواص درمانی: بهترین مصرف دارویی گندنای تازه، آب صاف کرده برگ کوبیده آن است که برای آماده شدن رحم زنانی که نطفه نمی‌پذیرد، تجویز می‌شود. مردم دوان معتقدند این دارو بوی درون رحم را که باعث سقط جنین می‌شود، از بین می‌برد.

ابن سینا نوشته است: «در آب پز برگش نشینند برای بهم آمدن دهانه زهدان و سختی زهدان نافع است.»<sup>۲</sup>

### گَنّی تِـرِک (goni te:rek)

گیاه‌شناسی: گیاهی است علفی و یکساله. میوه آن شبیه به دانه شنبلیله است، تقریباً چهارگوش می‌باشد و دارای رنگی قهوه‌ای متمایل به سرخی و مزه‌ای تلخ است. این گیاه در باغهای مرکبات کازرون به طور خودرو می‌روید.

مزاج گنی تِـرِک گرم است.

خواص درمانی: دانه‌های گنی تِـرِک داروی مناسبی برای مداوای زخمهایی سودایی است. برای این منظور هر شب باید ۴ تا ۵ دانه آن را در دهان گذاشته و به وسیله آب آن را فرو داد. این دانه‌ها رفع‌کننده باذماش نیز می‌باشد، بخصوص برای زنانی که حامله نمی‌شوند جهت آمادگی رحم بسیار مفید است. برای جلوگیری از دانه‌های ریزی که احتمالاً بعد از تولد بر پوست نوزاد ظاهر می‌شود زن آبستن از ماه هفتم شبی ۲ تا ۳ دانه آن را در دهان گذاشته و با آب، آن را فرو می‌دهد.

### مَرُورِشِک (marvarišk) = مرو (مرورشک)

گیاه‌شناسی: مروریشک میوه گیاهی است به نام «گل پشک» (golee- pašek) دارای ساقه‌های چهارگوش و برگهای بیضوی کرکدار متقابل گل‌های آن در انتهای ساقه ظاهر می‌شود و به صورت سنبله است. این گیاه به طور خودرو در زمینهای بایر روستا می‌روید.

در فرهنگ فارسی نوشته شده است: «گیاهی است از تیره نعنایان. این گیاه بسیار معطر است و در حقیقت یکی از گونه‌های مریم گلی است.»<sup>۳</sup>

(۲) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۱۹۵

(۱) ابوریحان، ۱۳۵۸: ۹۷۵

(۳) معین، ۱۳۴۵: ۲۰۴۶

مزاج: مروریشك سرد است، الهروی نوشته است: «گرم و خشك است»<sup>۱</sup>  
 خواص درمانی: نرم کننده زخمهای چرکین و دملها است. به این منظور، در مخلوط بوبووك  
 برای سرباز کردن دمل به مصرف می‌رسد. عده‌ای به دلیل خاصیت نرم‌کنندگی آن را در  
 چارتخمك مخلوط می‌کنند. در فرهنگ فارسی نوشته شده است: «از برگهای آن در تداوی به  
 عنوان مقوی و ضد تشنج و تسکین حملات سیاه سرفه و رفع نزله استفاده می‌کنند»<sup>۲</sup>

منزر جوش (manzarjuš) = مرزنگوش (Organum majorana)

گیاه‌شناسی: منزر جوش دارای برگهای متقابل، ساده و بیضوی و گلهای کوچک سفید رنگ  
 است. این گیاه در کوههای دوان به طور خودرو می‌روید.

دکتر گل گلاب نوشته است: «گیاهی علفی است که در کوه بخصوص در دیواره غارهای  
 کوچک و آفتابگیر می‌روید. دارای کرکهای کوچکی در سطح برگهاست. و بر روی این کرکها  
 کیسه‌های کوچکی قرار دارد که دارای اسانس خوش بویی با بوی عطر اسانس پرتقال است»<sup>۳</sup>

مزاج: منزر جوش گرم است. ابن سینا و ابوریحان نیز آن را گرم و خشك دانسته‌اند.<sup>۴</sup>  
 خواص درمانی: اثر مسکن دارد. جوشانده آن برای تسکین دردهای سخت مثل درد زایمان به  
 مصرف می‌رسد. همچنین از دم کرده آن جهت رفع باد (دردهای مفاصل و استخوان) استفاده به  
 عمل می‌آید.

دکتر زرگری نیز در مورد آن نوشته است: «مرزنگوش اثر آرام‌کننده، نیرو دهنده، مدر،  
 معرق، مقوی معده دارد. در استعمال خارج دارای اثر التیام دهنده زخمهاست»<sup>۵</sup>

مُور (môr) = مرغ (Agropyron repens)

گیاه‌شناسی: گیاهی خودرو از تیره گندمیهاست. که در زمینهای زراعی و بایر روستا می‌روید.  
 دارای ریزوم رونده، افقی و گره دار است که از محل هر گره آن ریشه‌های کوچک خارج می‌شود.  
 برگهای آن دراز، نوك تیز و غلاف دار به رنگ سبز غبارآلود و سطح فوقانی پهنك آن کمی  
 پوشیده از کرک است. میوه‌اش گندمه، دراز و بیضوی است.<sup>۶</sup>

(۲) معین، ۱۳۴۵: ۴۰۴۶

(۱) الهروی، ۱۳۲۴: ۶۹

(۴) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۲۲۱ و ابوریحان ۱۳۶۲: ۱۳۰

(۳) گل گلاب، ۱۳۳۹: ۲۷۸

(۶) زرگری، ۱۳۵۵: ۲۹۶

(۵) زرگری، ۱۳۴۷: ۶۰۶

مزاج: مور گرم است. ابن سینا آن را سرد و خشک دانسته است.<sup>۱</sup>  
 خواص درمانی: شاخ و برگ آن را با ریشهٔ *میک* (شیرین بیان) می‌کوبند و روی زخم سوختگی قرار می‌دهند. در نتیجه تأثیر آن زخم خشک می‌شود و التیام می‌یابد.  
 ابن سینا نوشته است: «این گیاه و به ویژه بیخش اگر ضماد شود و بر زخمهای بد و ترگذاردند زخم را جوش دهد و خوب می‌کند.»<sup>۲</sup>

مورد (murd) = مورد (*myrtus communis*)

گیاه‌شناسی: درختچه‌ای است پایا، که در جلگهٔ کازرون بوفور می‌روید این گیاه دارای برگهای متقابل و بیضوی و چرمی است. گل‌های آن منظم، سفید و دارای پنج گلبرگ و پرچم زیاد است. میوهٔ آن که به گویش دوانی بر مورد (*bar-e murd*) نامیده می‌شود مورد مصرف طبی دارد، دکتر زرگری آن را از تیرهٔ مورد (*Myrtaceae*) و از جنس «*Myrtus*» دانسته است. میوهٔ آن را سته معرفی کرده است.<sup>۳</sup>

مزاج: مورد گرم است. ابن سینا نوشته است: «دارای گرمی لطیف و سردی بر آن غالب است.»<sup>۴</sup>  
 خواص درمانی: میوهٔ آن را در مخلوطی به کار می‌برند که برای تقویت رحم زنانی که ضعیف است و جنین را پذیرا نمی‌شود مفید می‌دانند. (ر-ک مخلوط شمارهٔ ۳ داروهای گیاهی). این دارو را معمولاً سه روز بعد از قاعدگی به مدت چند صبح قبل از صبحانه می‌نوشند. همچنین دم‌کردهٔ میوهٔ مورد را در ماههای آخر به زن حامله می‌دهند تا از بروز دنگ وانجی (*deng-o andzi*) که احتمالاً بعد از تولد نوزاد بر پوست او ظاهر می‌شود جلوگیری کند.

ابن سینا نوشته است: «میوهٔ آلس (مورد) پخته شود، رطوبتهای زهدان را از جریان باز می‌دارد. فشرده میوهٔ آن بول را ریزش دهد و در جلوگیری از ریزش زیاد خون حیض مفید است.»<sup>۵</sup>

نار (*nâr*) = انار (*Punica granatum*)

گیاه‌شناسی: درخت پایایی از تیره انار یا موردیهاست. این گیاه در اطراف چشمه‌های متعدد دوان به صورت پرورشی وجود دارد. شاخه‌های انار نامنظم و کم و بیش خاردار است. دارای

(۲) همانجا

(۱) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۳۲۱

(۴) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۵۷

(۳) زرگری، ۱۳۴۱.

(۵) ابن سینا، ۱۳۶۲: ۵۷



برگهای متقابل و بیضوی چرمی و شفاف است. گل آن دارای پنج گلبرگ به رنگ قرمز و پرچمهای زیاد می‌باشد که در يك کاسبرگ چرمین قرار دارد.

مزاج: نار سرد است. عقیلی خراسانی و طبیبان قدیم آن را سرد و تر دانسته‌اند.<sup>۱</sup>  
 خواص درمانی: کوبیدهٔ قسمتهای داخلی پوست انار خشکیده و توده‌های زرد رنگی که دانه‌های انار بدان وصل است، چون دارای تانن بسیار است گیرنده می‌باشد و جهت رفع اسهالهای ممتد به مصرف می‌رسد. به دلیل سردی مزاجش تب‌بر است. علاوه بر اینها میوهٔ انار را در زیر خاکستر گرم قرار دهند تا پخته شود و آب آن را برای رفع بیماری توتینگو (tô tingu) (تب حصبه) به مصرف می‌رسانند.

و ابوریحان نیز نوشته است: «انار شیرین و ترش تب‌کهن را سود دارد. و حرارت معده را تسکین دهد. و پوست انار در قبض زیاد است از ناردان»<sup>۲</sup>

### ناشک (nâšk)

گیاهی است علفی و یکساله که در کوههای دوان می‌روید.  
 مزاج: ناشک گرم است.

خواص درمانی: کوبیدهٔ آن همراه با تخم‌مرغ برای رفع باذ (درد مفاصل و استخوانها) مفید است.

### داروهای گیاهی

#### بنگو داغک (bangu dâğek)

مواد: دانهٔ بارهنگ (bârehang)؛ دانهٔ بنگو (bangu)؛ (اسفرزه)؛ به دونه (beh duna)؛ (به دانه)؛ دانهٔ تدری (tođri)؛ (قدمه)؛ ریشی مِـك (me:k) (ریشهٔ شیرین بیان) و شکر.  
 خواص درمانی: از این دارو جهت رفع سرفه‌های بدون خلط، سینه درد، سرماخوردگی کهنه شده، استفاده می‌کنند.

#### پکمه (pakma)